

قالی بافی در ایران

قالی بافی یکی از کهنترین هنرهای ملی ماست و بموجب مدارکی که در دست است از قدیمترین دوران تاریخی یعنی از آغاز تاریخ ایران باستان، قالی بافی نیز به صورت هنری تکامل یافته و ارزنده وجود داشته است .

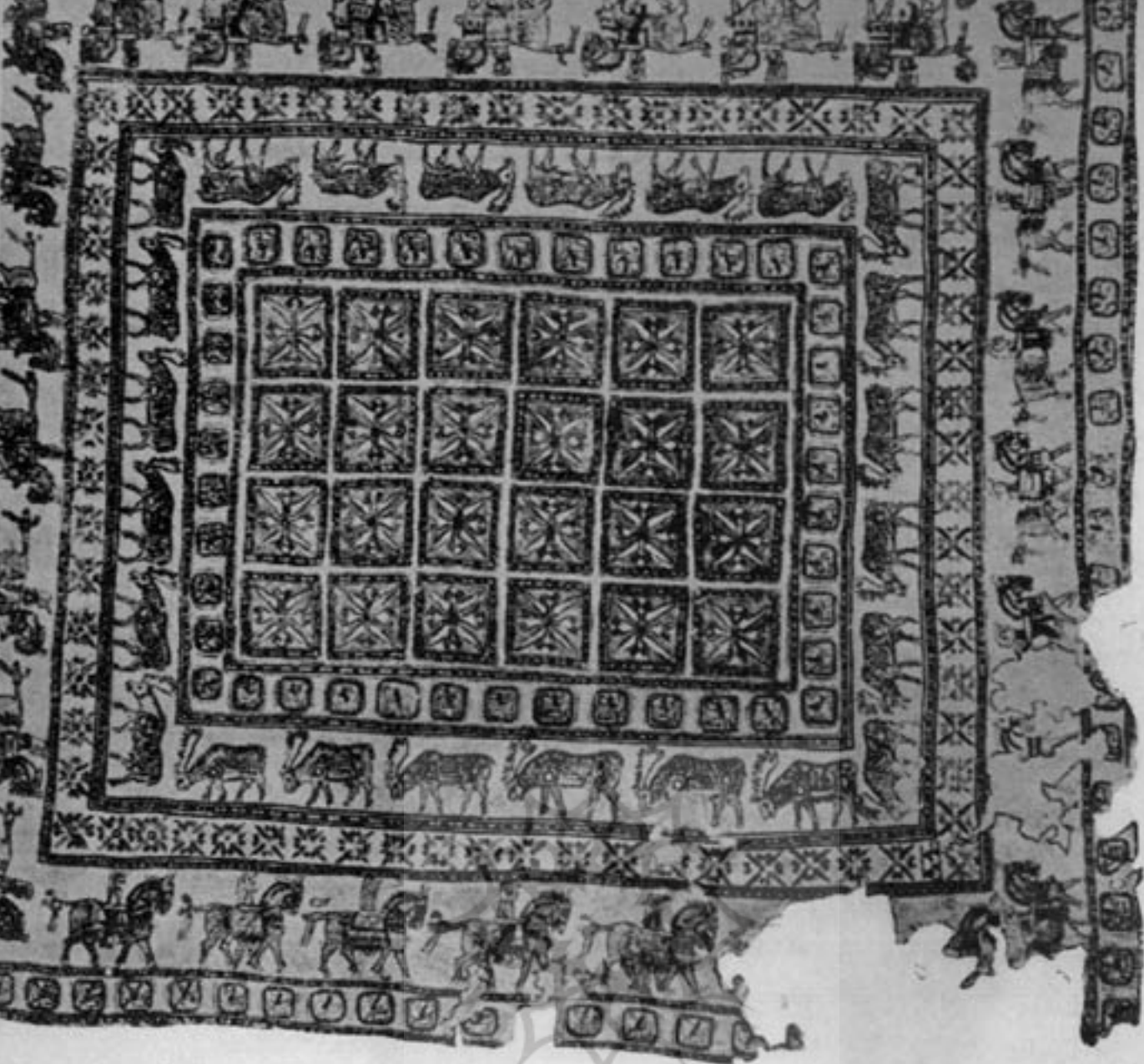
دوره هخامنشیان

تا سال ۱۳۳۸ تنها نوشته‌های مورخان یونانی بود که ما را از وجود قالی در دوره هخامنشیان آگاه می‌ساخت . « کزنفون » (۴۰۰ قبل از میلاد) در کتاب *Anabasis* اشاره‌ای به قالیبافی در ایران کرده است و می‌گوید : پادشاهان هخامنشی در « سارد » کارگاه قالی بافی داشته‌اند . و « آریان » *Arian* از قالی‌های ارغوانی کور کورش به ما خبر می‌دهد . اما این نوشته‌ها چون مشکلی به مدارک مثبتی نبود ، تحقیق در مورد آنها امکان نداشت و جز آگاهی مختصر

چیزی دیگر به دست نمی‌داد . تا اینکه در سال مذکور کاوش‌های باستان‌شناسی که در « پازیریک » (سیبری مرگزی) از چند سال قبل ازین زمان شروع شده بود حاصلی غیر منتظر و بس ارزنده داد . درین کاوشها که زیر نظر « رودنکو » باستان‌شناس شوروی انجام می‌گرفت قالیچه‌هایی به دست آمد که پس از تحقیق مدلل شد از عهد هخامنشیان است و تنها به سبب یخبندان شدید این ناحیه تا کنون سالم باقی مانده است . یکی ازین فرشها



قالیچه کوچک دوره هخامنشیان



فرش غاشیه دوره هخامنشیان

قالیچه‌ایست به طول دو متر و عرض ۱٫۸۳ متر و ضخامت دو میلی‌متر (یک گوشه این قالیچه تا اندازه‌ای از میان رفته است) این قالیچه کف تابوتی روی نمادی دولا پهن بوده و روی آن جسدی قرار داشته است.

نقش این قالیچه در عین سادگی بسیار زیباست. پس از یک حاشیه که از دو خط موازی و کله‌هایی تقریباً چهار گوش (گویا تصویر جانور بالدار در آنها نقش است) تشکیل شده است، یک ردیف سواران ایرانی به چشم می‌خورد. سپس حاشیه‌ای دیگر مانند اولی قرار دارد و بعد ردیفی از کوزن‌های ابلق دیده می‌شود. در وسط قالیچه مستطیلی است که در آن ۲۴ مربع کوچک را جا داده‌اند (۶ مربع در ۴ مربع) در داخل هر مربع نقش گل و برگ بافته شده است. نوع سواران و کلاه خاص آنها به خوبی ایرانی بودن قالیچه را ثابت می‌کند.

مسلم است که این قالیچه به جای زمین بکار می‌رفته و فرش غاشیه بوده است. بافت این فرش بسیار ظریف و دقیق و ریز است گره‌ها از پشت خورده و قیچی شده است. رویهم رفته زیبا و جالب می‌باشد.

قالیچه بسیار کوچک دیگری نیز درین محل به دست آمده است. [قطعاً کوچک این قالیچه در جاهای مختلف بوده است و گویا برای تزئین زمین اسب بکار می‌رفته است. از اینرو بهتر است آنرا قالیچه نینداریم] در هر یک از مربع های این قالیچه ملکه هایی در دو طرف آتشدان دیده می‌شوند و دو نفر خدمت گذار هم پشت سر آنهاست. گویا مراسمی مذهبی را انجام می‌دهند. تارهای این قالیچه ابریشمین و پیوده‌هایش پشمین است. رنگهای آن بسیار جالب و زنده انتخاب شده است و بافت آن دراز و بسیار خوب است.

این قالیچه ها قدیمترین مدرک قالیبافی جهان می‌باشند و اکنون در موزه «ارمیتاژ» از آنها نگهداری می‌شود. نقش های روی لباس ملکه و خدمتگذاران در قالیچه کوچک



نقش بافته‌ای قبلی که تقلید از بافته های ساسانی است و ریزه‌کاری‌های سواران و گوزن‌های ابلق در قالیچه بزرگتر همه قابل دقت و مطالعه است و امیدواریم در بحث راجع به طرح ها و رنگها قالی درین باره توضیحات بیشتری بدهیم.^۱

پس از هخامنشیان تا دوره اسلامی

هنر قالی بافی در زمان سلوکیان و اشکانیان نیز در ایران رونق داشته است چون بعداً با مدارکی که وجود دارد پی می‌بریم که در دوره ساسانی قالی بافی هنری عالی و در نهایت کمال بوده است، از اینرو می‌توان گمان برد که در زمان سلوکیان و اشکانیان قالی بافی تکامل یافته تا در دوره بعد چنین به درجه عالی رسیده است.

مدارکی که از چهار قرن شاهنشاهی ساسانیان در باره قالی به ما رسیده بسیار کم

۱- برای آگاهی بیشتر رجوع شود به مجلد سوم گزارشهای باستان‌شناسی - گزارش آقای مصطفوی

است و برای تحقیق درین مورد بهیچ روی کافی نیست . مسلم آنست که درین دوره قالی بیشتر جنبه تزیینی داشته و کمتر به کار فرش [در اصطلاح امروزی] می خورده است . ازینرو بیشتر زربفت بوده و با سنگهای قیمتی تزیین می شده است . البته این نظر کلی نیست و نباید حکم کرد که فرش معمولی در آن زمان بافته نمی شده است ، بلکه اگر این تصور ایجاد شود تنها بدان علت است که مدارك ما نارساست و درباره قالیهای معمولی که نظر مورخان را جلب نکرده اطلاعاتی به ما نرسیده است .

قالی بهارستان که زینت بخش تالار بزرگ کاخ شاهنشاهی ایران در تیسفون بوده است و در حمله تازیان به دست عربها افتاد و آنرا قطعه قطعه کردند ، یکی از این قالیهای تزیینی است . « طبری » که می توان او را اول مورخ اسلامی نامید که سخن از قالی به میان آورده است ، درباره فرش بهارستان گفته است : نار و بود « بهارستان » ابریشم و نخ زرین بوده است و بر آن گوهرها نشانده و با طلا و نقره تزیینش کرده بوده اند . زهره را برای سبزی برگ درختان و مروارید و گوهرهای دیگر را به جای شکوفه و گلهای آنها بکار برده بودند . . .

این فرش که در زمان خسرو انوشیروان خاص همین تالار بافته شده بود ، به نظر محققان پرز نداشته است . چون از طرفی در آب و هوای گرم این منطقه قالی پرز دار چندان مناسب به نظر نمی رسد و از سوی دیگر زربفت ساختن و جواهر نشان کردن قالی پرز دار معمول نبوده است . دلیل دیگر اینست که قالی ای بدین بزرگی (تقریباً ۲۸×۲۸ متر) اگر پرز هم داشته باشد بیش از دو تن وزن پیدا می کند و چنین قالی ای بعید به نظر می رسد که ممکن شود یکپارچه بافته گردد . از طرف دیگر برپا کردن دستگاهی آنهم از درختانی که در آب هوای ایران بعمل می آید برای یک چنین قالی عظیمی براستی امکان ندارد . طرح های عهد ساسانی در قالی های قرون اولیه اسلام و آثار قبطیان هنوز برای ما باقی مانده است و با مطالعه آنها می توان تا اندازه ای سیر تکاملی نقش قالی را روشن ساخت . قبطیان که از بازماندگان مصریان قدیم بوده اند فرشها و پارچه هایی زیبا می بافته اند که در قرون نخستین میلادی در کشورهای اروپایی به فروش می رسیده است . یک نوع از این بافته ها به تأثیر هنر نساجی ایرانیان ساسانی بوده است . درین آثار نقوش ساسانی باقی مانده است . از آن جمله نقشی است که در دایره ای جانوران طبیعی یا خیالی ترسیم شده است و دیگر سوارانی که در دو طرف درخت « زندگی » یا آتشدان بار و بروی با پشت بهم ایستاده اند .

دوره اسلامی

در دوره اسلامی بواسطه مدارك و آثار زیادی که باقی مانده است تاریخ قالی روشنتر می باشد . جغرافی نویسان و سیاحان این دوره که اغلب ایرانی بوده اند یاد داشت هایی

درین باره برای ما باقی گذارده‌اند. صاحب «حدود العالم من المشرق الی المغرب» که نامش بر ما مجهول است شرح مختصری دربارهٔ قالیبافی در فارس برای ما باقی گذارده است. «مقدسی» یک قرن بعد در بارهٔ قالی‌های فائزات و نوع و ارزش آنها اشاره‌ای کرده است و بعقوبی شرح تقریباً مفصّلی دربارهٔ قالی‌بافی در آذربایجان دارد که ما را مطمئن می‌سازد در آن زمان درین قسمت از ایران ابن هنر رواج کامل داشته است و قالیهایی گرانبها و ارزنده از کارگاه‌های آنجا خارج می‌شده است. صد سال بعد «ابن بطوطه» در سفرش از «خور موسی» به اصفهان یاد آور می‌شود که در «ایذج» (ایزه) قالیچه‌های سبزی بر سر راهش گسترده بودند.

از طرف دیگر اطلاع داریم که در دربار خلفا (چه شام و چه بغداد) قالیهای گرانبهای وجود داشته است. هشام بن عبدالملک قالی زربفتی داشته است که بر آن می‌بالیده و آنرا نظیر قالی بهارستان می‌دانسته است. «مسعودی» یاد آور شده است که در بارگاه «المستنصر بالله» خلیفهٔ عباسی فرشی با صورت‌های انسان و کتیبه‌های فارسی وجود داشته است.



بافته‌ای ابریشمین با نقش تقلید از ساسانیان

همین یادداشت‌های پراکنده که جغرافی نویسان در آثار خود آورده‌اند بخوبی نشان می‌دهد که در قرون اولیهٔ اسلامی قالی‌بافی در ایران رواجی کامل داشته است و اغلب به دست روستاییان و قبیله‌ها انجام می‌پذیرفته است. نقش‌هایی که در میان روستاییان و قبیله‌های

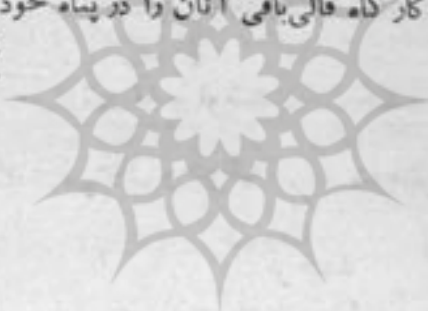
مختلف رواج داشته است پس از تکامل و درهم آمیختن با نقوش قبایل مجاور نقش‌های محلی را به وجود آورده است .

در قرن سوم هجری قمری در اغلب نواحی ایران قالیبافی رایج بوده است و در خراجهایی که به دربار خلفای بغداد می‌پرداخته‌اند مقداری قالی نیز وجود داشته است .
« ابن خلدون » درباره خراج طبرستان می‌گوید که سالیانه ششصد قالی به دربار خلفا فرستاده می‌شده است .

درین زمان قالی خراسان سخت مشهور بوده است و در سیستان چنانکه نوشته‌اند فرش‌های مرغوبی بافته می‌شده است . مقدسی شرح مختصری درباره قالی بافی خوزستان دارد که معلوم می‌شود فرش آن سامان نیز طالب بسیار داشته است .

همانطور که یادآور شدیم تا این زمان قالیبافی در میان قبایل و روستاییان رایج بوده است ولی ازین پس به علت توجه مردم و برقراری نظم و آرامش نسبی در کشور کرمی بر آن شدند که قالیبافخانه دایر کنند و عده‌ای را مزدور کرده و از هنر آنها بهره‌ای عاید خویش سازند . ازین زمان به بعد کارگاه‌هایی را می‌بینیم که مسی‌کوشند با طرح‌های زیباتر از آنچه معمول بوده است قالی‌هایی عرضه کنند . طراحان و نقشه‌کش‌ها ازین پس ارزشی می‌یابند و ثروتمندان صاحب کارگاه قالی بافی آنان را در پناه خود می‌گیرند .

ع . ح



شماره ۴۱ تا ۵۰ (عدد نسبی با سوادان)

در شماره اخیر نشریه آمار کشور که از طرف اداره آمار عمومی منتشر شده است (از شماره ۴۱ تا ۵۰) و عدد نسبی با سوادان از قرار ذیل است :

حوزه شماری	جمعیت	عدد نسبی با سوادان
شاهی	۱۱۶۸۵۴	۱۱۳
آمل	۹۸۷۵۹	۱۱۰
قوچان	۱۱۶۴۳۸	۷۷
میانه	۹۴۵۳۰	۶۸
ملایر	۸۶۴۰۱	۱۱۳
مهاباد	۱۵۴۳۵۳	۷۲
لاهیجان	۱۴۷۰۲۸	۱۱۷
تربت حیدریه	۱۳۴۶۵۷	۸۰
ارسباران	۱۶۳۴۸۲	۴۶
نیشابور	۱۲۳۷۴۲	۹۰